

نگاه تاریخی به وضعیت زن در اسلام

محمدجواد واعظی* / محمدرضا جباری**

چکیده

تحول عظیمی که پس از ظهور اسلام در مسائل اجتماعی، از جمله مسئله زن و خانواده ایجاد شد، از پدیده‌های مهم‌ترین مباحث اسلامی است. با توجه به اینکه این موضوع همواره معرکه آرا و محور نظریه‌هایی بوده و پرسش‌های بسیاری را به خود معطوف کرده است، مطالعه تاریخی آن به بسیاری از روشنگری‌ها در این باره کمک خواهد کرد. در این نوشتار در صدد بیان تغییراتی هستیم که اسلام در موضوع زن پدید آورده است. این مقاله با روش تاریخی به وضعیت و جایگاه زن در خانواده، اجتماع و سیاست در عصر نبوی پرداخته و تحول بزرگی را که با ظهور اسلام در زمینه جایگاه فرهنگی و اجتماعی زن رخ داد، نشان داده است.

کلید واژه‌ها: زن، خانواده، اجتماع، سیاست و عصر نبوی.

* دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه معارف قم. دریافت: ۸۸/۱۰/۲۷ - پذیرش: ۸۹/۷/۱۴
m.2110514@yahoo.com

** دانشیار گروه تاریخ مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی*

موضوع زن همواره مورد توجه پژوهشگران و اندیشمندان بوده و به ویژه پس از شکل‌گیری نهضت فمینیسم در قرن نوزدهم در غرب که منشأ پیدایش برخی افکار و اندیشه‌های افراطی درباره حقوق زنان شد، این موضوع اهمیت دو چندان پیدا کرده است. فمینیسم که در افق فکری اومانیسم ظهور یافت به بهانه دفاع از حقوق زنان، ضربه‌های سنگینی به ارزش و هویت زنان وارد آورد و پس از آنکه در اعلامیه حقوق بشر تأثیر گذاشت، برای اجرایی کردن ایده‌های خود، معاهده‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی نظیر کنوانسیون «حقوق سیاسی زنان» کنوانسیون «رضایت برای ازدواج» و... ایجاد کرد تا آنجا که سازمان ملل سال ۱۹۷۶ - ۱۹۸۵م را دهه زنان نام‌گذاری کرد. جنبش زنان پیامدهای گوناگون فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در پی داشته که یکی از مهم‌ترین آنها به چالش کشیده شدن اندیشه‌های دینی درباره جایگاه، حقوق و تکالیف زنان است. در این میان دیدگاه اسلام درباره زنان نیز مورد پرسش و حمله قرار گرفته تا آنجا که احکام اسلامی مربوط به زنان، مخالف حقوق بشر و ناقض تساوی حقوق زن و مرد تلقی شده و اسلام را دین مردان و تأمین‌کننده مصالح و منافع مردان دانسته‌اند. از این رو اندیشمندان بزرگ اسلامی با تکیه بر منابع اصیل اسلامی، به‌ویژه قرآن و روایات به تبیین دیدگاه اسلام درباره جایگاه و حقوق زن پرداخته و با توجه به اختلاف نظرهای جدی که ناشی از انفعال یا ایستادگی در برابر جنبش زنان بوده، پاسخ‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند. در این میان به سهم پژوهش‌های تاریخی در تبیین جایگاه زن در اسلام کمتر توجه شده، در حالی که تاریخ گواه روشنی بر تلاش‌های اسلام در دفاع از حقوق زنان و هویت بخشی به آنها و تأمین مصالح زنان بر اساس حکمت و عقل و نه احساس و شعار بوده است. تا آنجا که باید اسلام را به حق طلایه‌دار دفاع از حقوق زن دانست. مقایسه وضعیت زن پیش از اسلام و سیر تحولاتی که پس از اسلام در موضوع زن ایجاد شد، یکی از درخشان‌ترین صفحات کارنامه اسلام را شکل می‌دهد. در نوشتار پیش رو وضعیت زن را در محورهای یاد شده در تاریخ اسلام بررسی می‌کنیم.

الف) وضعیت اجتماعی زن در عصر نبوی

حضور زنان در اجتماع و مشارکت ایشان در فعالیت‌های اجتماعی در صدر اسلام از مسلمات تاریخی است که با مروری گذرا بر منابع تاریخی به سهولت می‌توان به آن دست یافت. از دیدگاه اسلام اصل فعالیت اجتماعی برای زنان نه تنها مذموم نیست، بلکه در برخی مواقع،

ممدوح و مطلوب است.^۱ مطالعه دقیق آیاتی چون آیات امر به معروف و نهی از منکر، بیعت، هجرت و وجوب زکات، موافقت قرآن با حضور اجتماعی زن را نتیجه می‌دهد. از طرفی از آیاتی که چگونگی و شرایط حضور اجتماعی زن را مطرح می‌کند به خوبی جواز اصل این حضور، فهمیده می‌شود.

بنابر این با توجه به اهمیت موضوع حضور اجتماعی زن مسلمان و وجود دیدگاه‌های متفاوت در این باره این بحث در دو محور «جواز حضور زن در اجتماع» و «اصول و ضوابط حاکم بر حضور اجتماعی زن» پی‌گرفته می‌شود.

۱. جواز حضور زن در اجتماع

با دامنه‌دار شدن مباحث و مطالعات اسلامی جدید و فراهم شدن عرصه فعالیت‌های اجتماعی زنان در محیطی سالم در جامعه ما، جواز حضور زن در اجتماع امری مسلم و تردیدناپذیر به حساب می‌آید. اما با توجه به آثار و اندیشه‌ها و متفکران اسلامی در می‌یابیم که این امر در طول تاریخ، به شفافیت و وضوح امروزی نبوده است. وجود اندیشه‌های سخت‌گیرانه در برخورد با زن و تعاملات اجتماعی او از همان صدر اسلام گزارش شده است. سفارش پیامبر اکرم ﷺ به مردان در مورد اجازه دادن به همسران خود برای حضور در مسجد و نماز جماعت می‌تواند حاکی از وجود سخت‌گیری‌هایی در رفتار مردان نسبت به حضور زنان در اجتماع باشد.^۲ پیامبر اکرم ﷺ در پاسخ اعتراض خلیفه دوم به یکی از همسران ایشان به سبب خروج از منزل، خروج زنان را برای برآوردن حوائج خود اجازه دادند.^۳ بعدها نیز به‌رغم تأکید مکرر پیامبر اکرم ﷺ برخی مانع خروج زنان برای حضور در مسجد می‌شدند.^۴

شاید وجود گزارش‌هایی از سیره اهل بیت علیهم‌السلام و گفتار ایشان در سفارش به حسن دوری زن مؤمن از مردان، بتواند دست‌مایه برخی برای شبهه‌افکنی به حضور اجتماعی زنان در اسلام شود که تبیین دقیق این رفتارها و گفتارها می‌تواند زمینه هر گونه کج‌فهمی را از بین ببرد.

در برخی گزارش‌های تاریخی آمده است که حضرت فاطمه رضی‌الله‌عنها خود را از مرد نابینا هم می‌پوشاند^۵ و دلیل آن را این گونه بیان کرد که گرچه او مرا نمی‌بیند، اما من که می‌توانم او را ببینم و او هم می‌تواند بوی مرا حس کند. این نقطه اوج عفت و عفاف اسلامی است که رسیدن به آن آسان نیست. همچنین پیامبر اکرم ﷺ در پاسخ به سؤالی در مورد بهترین روش برای زن، فرمودند: برای زنان بهتر است که مردان نامحرم را نبینند و مردان نامحرم نیز ایشان را نبینند

«ما من شيء خیر للمرأة من ان لا تری رجلاً و لا یراهها»^۶ برای فهم این روایت باید گفت: استفاده پیامبر گرامی اسلام ﷺ از کلمه «خیر» خود گویای این حقیقت است که این سیره، رجحان و مزیت دارد. به دیگر سخن، حضرت در مقام بیان امری ترجیحی و ایده‌آلی است. در شرایطی که نیازی به ارتباط زنان با مردان نیست بهتر آن است که زن با هیچ مرد نامحرمی تماس نداشته باشد و این هرگز به معنای ممنوعیت قانونی نیست. سیره فاطمه علیها السلام و زنان مورد تأیید پیامبر ﷺ، گویای این واقعیت است که در صورت ضرورت، فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی زنان هیچ منعی ندارد.^۷

۲. اصول و ضوابط حاکم بر حضور اجتماعی زن

بی‌شک هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که اسلام حضور زن را در اجتماع بدون قید و شرط تأیید کرده است. در بیان اصول و ضوابط حاکم بر این حضور اجتماعی می‌توان دو اصل کلی را مطرح کرد. «حفظ منافع خانواده» و «حفظ آرامش روانی و روحی جامعه».

الف. حفظ منافع خانواده

خانواده بهترین محل پیوند زن و مرد است. این نهاد بیشترین زمینه را برای کمال آن دو و بهترین محیط را برای شکل‌گیری شخصیت فرزند فراهم می‌سازد. با نگاهی به استعدادها و توانایی‌های خاص زن، به خوبی درمی‌یابیم که خانواده، مناسب‌ترین محل برای بروز استعدادها و توانمندی‌های اوست. جایگاه رفیع خانواده در نگرش اسلامی موجب شده است که بهترین بنیان اجتماعی قلمداد شده و به منافع آن در قیاس با نهادهای دیگر، به‌طور ویژه توجه شود. بنابراین در تنظیم روابط اجتماعی و ارائه الگوی حضور و مشارکت اجتماعی زنان باید آثار این فعالیت‌ها در تحکیم و تضعیف پیوندهای خانوادگی لحاظ شود. اسلام در تبیین وظایف زن و مرد با اصل قرار دادن کانون خانواده، به دیگر وظایف اجتماعی جهت و معنای مشخصی بخشیده است.^۸

از آنچه گفتیم به دست می‌آید که اسلام جایی حضور زنان را تجویز می‌کند که لطمه‌ای به مأموریت‌های وی در خانواده وارد نسازد. روایات متعددی در تبیین کارکردهای زن در خانواده و بیان اجر و پاداش تلاش زن در این نهاد مقدس از بزرگان دین نقل شده است، که بیانگر این حقیقت است. برای نمونه، می‌توان به روایت معروف اسماء بنت یزید انصاریه، اشاره کرد. زنان عصر نبوی با تصور کم‌ارزشی تلاششان در خانه در مقابل حضور اجتماعی مردان و ادای

واجباتی چون جهاد، جمعه و جماعات و حج، با ذهنی پر سؤال نماینده‌ای به سوی پیامبر اکرم ﷺ فرستادند. اسماء (نماینده زنان) نیز شبیه کم بودن سهم زنان از حضور اجتماعی را با بیانی رسا که تحسین پیامبر اکرم ﷺ را برانگیخت، مطرح کرد. حضرت نیز در پاسخ، ارزش و پاداش مأموریت‌های زن را در خانه، معادل ارزش و پاداش آن واجبات قرار داد و زنان را به حفظ خانواده تشویق کرد.^۹

ب. حفظ آرامش روحی و روانی جامعه

خداوند از روی حکمت خویش برای استواری نظام آفرینش و بقای نسل انسان، لطافت‌ها و جاذبه‌هایی خاص در وجود زن نهاده و جایگاه ظهور این جاذبه‌ها و زیبایی‌ها را عرصه خانواده و در روابط خصوصی همسران قرار داده است نه گستره اجتماع و روابط عمومی با نامحرمان.^{۱۰} یکی از اصول حاکم بر حضور زن در اجتماع، حفظ آرامش روانی جامعه و عدم ظهور و بروز جاذبه‌های جنسی در روابط با دیگران است.

اسلام برای رسیدن به این مهم به تبیین حد و مرز روابط زن و مرد در جامعه پرداخت. رعایت احکام حقوقی و اخلاقی در این رابطه از سوی زن مسلمان، زمینه‌ساز ایجاد جامعه‌ای سالم در جهت حضور فعال‌تر و مؤثرتر او در جامعه می‌شود. این احکام حقوقی و اخلاقی در سه محور حد نگاه، حد پوشش و حد معاشرت و اختلاط بیان می‌شود.^{۱۱}

حد و مرز روابط زن و مرد در جامعه

حد نگاه

از آنجا که نگاه آلوده یکی از راه‌های انحراف جنسی و زمینه‌ساز بی‌بند و باری در جامعه است، قرآن کریم مردان و زنان مؤمن را به رعایت عفت در نگاه دستور داده است:

به مؤمنان بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گیرند و عفاف خود را حفظ کنند این برای آنان پاکیزه‌تر است، خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است.* و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را به جز آن مقدار که نمایان است آشکار نمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پسرانشان یا پسران همسرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسر خواهرانشان یا زنان هم‌کیششان یا بزرگانشان یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند یا کودکانی که از امور

جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود و همگی به سوی خدا باز گردید ای مؤمنان تا رستگار شوید. (نور ۳۰ و ۳۱)

دقت در شأن نزول آیه که در کافی از امام باقر^{علیه السلام} نقل شده است ما را به زمینه تاریخی نزول این آیات آشنا می‌کند. جوانی از انصار در کوچه‌های مدینه به زنی برخورد کرد، در آن ایام، زنان مقنعه خود را پشت گوش می‌انداختند، وقتی زن از کنار او گذشت جوان او را تعقیب کرد و از پشت به او می‌نگریست تا داخل کوچه تنگی شد. استخوان یا شیشه‌ای که در دیوار بود به صورت او گیر کرده آن را شکافت. همین که زن از نظرش غایب شد جوان متوجه شد که خون به سینه و لباسش می‌ریزد، در این هنگام به خدا قسم خورد که نزد رسول خدا^{صلی الله علیه و آله} رود و جریان را خبر دهد. جوان نزد آن جناب رفت. رسول خدا^{صلی الله علیه و آله} از او پرسید چه شده است؟ جوان جریان را گفت. جبرئیل نازل شد و آیه را آورد.^{۱۱}

بنابراین، مردان و زنان مؤمن، هم باید مراقب نگاه خود باشند و هم خود را از نگاه نامحرمان ببوشانند. زنان در صدر اسلام نماز را با پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله} می‌خواندند و چون لباس مردان کوتاه بود به منظور حفظ زنان از نگاه حرام، به آنان دستور داده شد قبل از ایشان سر از سجده بر ندارند.^{۱۲}

آیه‌ای دیگر کسب اجازه برای ورود به حریم خصوصی والدین را نیز لازم شمرده شده است:

وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ؛ و هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ رسند باید اجازه بگیرند همان گونه که اشخاصی که پیش از آنان بودند اجازه می‌گرفتند. این چنین خداوند آیاتش را برای شما بیان می‌کند و خدا دانا و حکیم است (نور: ۵۹).

مردی از رسول خدا^{صلی الله علیه و آله} سؤال کرد که آیا هرگاه نزد مادرم می‌روم اجازه بگیرم؟ حضرت در پاسخ فرمود: آیا دوست داری او را برهنه ببینی؟ گفت: خیر. حضرت فرمود: پس اجازه بگیر.^{۱۳} به خوبی معلوم است حکمت این دستور، از بین بردن زمینه نگاه حرام و حفظ عفت است. در سیره نبوی نیز عمل به این امر الهی مشاهده می‌شود. پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله} هنگامی که به در خانه کسی می‌آمد روبه‌روی در نمی‌ایستاد، بلکه در طرف راست یا چپ قرار می‌گرفت و سلام می‌کرد و اجازه می‌خواست.^{۱۴}

پیامبر اکرم ﷺ در عمل، مؤمنان را از نگاه حرام نهی می‌کرد. ایشان روزی صورت فضل بن عباس را که مشغول نگاه آلوده به زنی بود برگرداند.^{۱۵} در نقلی دیگر آمده است که زنی در مقابل پیامبر ﷺ از مرکب افتاد، حضرت بلافاصله از صحنه روی برگرداند تا نگاهش به حرام آلوده نشود.^{۱۶}

حد پوشش

اسلام برای کاستن از آسیب‌های حضور اجتماعی زن، دستور به رعایت پوشش مناسب برای زنان داده است. حجاب، هم زمینه انحرافات اخلاقی را کم می‌کند و هم به زن امنیت و آرامش و مصونیت می‌بخشد. شواهد متعددی از قرآن کریم حاکی از این نکته است که در جامعه عرب قبل از اسلام، زنان برای حضور در اجتماع، پوشش مناسب و مطلوبی نداشتند. نهی قرآن از متابعت از آن الگو و دستورات اصلاحی برای پوشش زنان، از برخی نقص‌ها و کاستی‌ها در پوشش زنان آن دوره و فاصله آن با پوشش مورد نظر اسلام حکایت دارد. برخی تاریخ‌پژوهان نیز این نکته را تأیید می‌کنند.^{۱۷}

مسئله پوشش زن در دو سوره از سوره‌های قرآن مطرح شده است. یک‌بار به‌طور اجمال در سوره احزاب آیه ۵۹ و بار دیگر با تفصیل بیشتر در آیه ۳۱ سوره نور.

از آنجا که چگونگی پوشش زنان در جامعه صدر اسلام به‌گونه‌ای نبود که زیبایی‌ها و زینت‌های آنان را بپوشاند قرآن آنان را به نحوه صحیح پوشش دستور می‌دهد. خداوند متعال به‌منظور حفظ عفت جامعه، حتی زنان مسلمان را، از نمایان کردن بدن خود بر زنان غیر مؤمن نهی می‌کند. در روایات علت این امر، بی‌مبالاتی زنان غیر مؤمن در توصیف زنان مسلمان برای شوهران خود دانسته شده است.^{۱۸}

عایشه می‌گوید: پس از نزول آیه سوره نور زنان مهاجر، ضخیم‌ترین پوشش‌های پشمین خود را برش داده و با آن سر و گردن خود را پوشاندند.^{۱۹} ام‌سلمه نیز نقل می‌کند که پس از نزول آیه پوشش در سوره احزاب، زنان انصار از منازلشان با پوشش‌های مشک‌خیز خارج می‌شدند، به‌گونه‌ای که به نظر می‌رسید بر سر ایشان کلاغی نشسته است.^{۲۰}

قرآن در آیه‌ای دیگر زنان پیامبر را که باید سرآمد و الگوی زنان جامعه اسلامی باشند، از خودنمایی و ظاهر نمودن زیبایی‌ها در مقابل دیگران نهی می‌کند.^{۲۱}

با توجه به آیات دیگر قرآن، نمی‌توان زنان دیگر را از ممنوعیت تبرج و خودنمایی مستثنی دانست.

در روایاتی از رسول خدا ﷺ محدوده حجاب و پوشش زن معین شده است. امام صادق علیه السلام از پدران خود از رسول خدا ﷺ نقل می‌کنند که فرمود: روا نیست زنی که به دوران عادت ماهیانه بلوغ رسیده جلو سر و گیسوان خود را آشکار کند.^{۲۲}

در گزارش دیگری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به یکی از یاران خود سفارش می‌کند که به همسرش بگوید برای تهیه روسری از آستر استفاده کند تا زیر آن نمایان نباشد.^{۲۳} زانی نیز که خود را با وضع جدید تطبیق نداده بودند، با اعتراض پیامبر روبه‌رو می‌شدند. گزارش شده است که رسول خدا ﷺ خطاب به اسماء دختر ابوبکر که از پوشش نازک استفاده کرده بود فرمود: «ای اسماء وقتی زن به سنی رسید که عادت ماهانه برای او اتفاق افتاد، جایز نیست که جز صورت و دست وی تا بالای مچ در معرض دید دیگران قرار گیرد».^{۲۴}

اگر چه برای استفاده حد و مرز پوشش از روایات و آیات ذکر شده نیاز به دقت‌های لازم فقهی دارد، لکن اصل لزوم پوشش زن از مرد نامحرم در تعاملات اجتماعی و عدم خودنمایی و عرضه زیبایی‌ها، به خوبی قابل فهم است.

حد معاشرت و اختلاط

اسلام با تجویز حضور اجتماعی زن، معاشرت سالم و دور از فتنه و فساد بین زن و مرد مسلمان را بدون اشکال می‌داند. نگاهی به تاریخ صدر اسلام حکایت از معاشرت، گفت‌وگو و تعامل بزرگان دین با زنان دارد. زنان برای اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت نقل می‌کردند، یا سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را از زبان یاران وی شنیده و حفظ می‌کردند. همچنین پاسخ سؤال‌های متعدد علمی و شرعی خود را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و یاران او می‌گرفتند و برای دیگران نقل می‌کردند. آنچه در فعالیت‌های اجتماعی زن ممنوع است اصل معاشرت او با مردان نیست، بلکه هوس‌انگیزی بودن این معاشرت است. گام برداشتن، سخن گفتن و دیگر شئون معاشرت نباید به گونه‌ای هوس‌انگیزی انجام گیرد. با دقت در برخی از آیات الهی و روایات معصومان به نکته‌هایی در این زمینه می‌رسیم. قرآن هشدار می‌دهد همان‌گونه که زن نباید نقاط تحریک‌آمیز را پیش دید مرد نهد، نباید زمینه فساد را با حرکات هیجان‌انگیز و ایجاد صدا، از راه گوش فراهم سازد: «... وَ لَآ يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ...» (نور: ۳۱) برخی از زنان عرب خلخال به پا می‌کردند و برای اینکه بفهمانند خلخال به پا دارند، پای خود را محکم به زمین می‌کوبیدند، آیه آنان را از این عمل نهی می‌کند.^{۲۵}

علاوه بر متانت و سنگینی در گام برداشتن و حرکات، وقار در سخن گفتن و متانت در کلام و جلوگیری از سخن هیجان‌انگیز نیز از جمله شرایط معاشرت سالم است. قرآن و روایات به موضوع سخن گفتن از دو منظر نگریسته‌اند: آهنگ سخن و محتوای سخن. «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنَّ أُنثَىٰ تَقْنِيَنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (احزاب: ۳۲).

خداوند در این آیه به زنان دستور داده است که مراقب آهنگ سخن خود باشند؛ با ناز و نرمی سخن نگویند تا موجب طمع بیماردلان شود. از طرفی در پی نهی از خضوع و نرمش در کلام، به سخن خوب و شایسته سفارش شده‌اند، چرا که گاهی موضوع سخن نیز تحریک‌کننده و هیجان‌انگیز است. در روایاتی زن و مرد از شوخی کلامی نیز نهی شده‌اند.^{۲۶}

از دیگر اموری که در معاشرت زن و مرد نهی شده است، زینت کردن زن و خوشبو کردن خود برای مردان نامحرم است. پیامبر زنی را که خود را برای خوشایند مردان نامحرم خوشبو کند در جایگاه زناکار دانست.^{۲۷} در روایتی دیگر چنین زنی مستوجب لعنت الهی دانسته شده است.^{۲۸}

مسئله دیگری که در تنظیم حریم معاشرت زن و مرد مطرح است نهی از خلوت کردن زن و مرد نامحرم است. فسادانگیز بودن چنین حالتی آن قدر مسلم و خطیر است که پیامبر اکرم ﷺ در یکی از بیعت‌های خود با زنان از آنان پیمان گرفت که با مردان نامحرم در خلوت ننشینند.^{۲۹} جدا بودن مکان زنان از مردان در زمان پیامبر اکرم ﷺ در مسجد^{۳۰} و در محل استقرار در جنگ‌ها^{۳۱} نشانه تلاش آن حضرت برای کم کردن زمینه اختلاط بین زن و مرد در جامعه اسلامی است. همچنین پیامبر اکرم ﷺ در هیچ یک از بیعت‌ها با زنان دست نداد و دست ایشان هیچ‌گاه دست نامحرم را لمس نکرد.^{۳۲} سیره حضرت زهرا ﷺ در دوری از نامحرم و اجتناب ایشان از اختلاط با نامحرم نیز در روایات متعددی بیان شده است که در ابتدای فصل به آن پرداخته شد.

ب) وضعیت سیاسی زن در عصر نبوی

مشارکت سیاسی زنان در اسلام از دیرباز مورد بحث اندیشمندان اسلامی بوده و دیدگاه‌های متفاوتی نیز در این مقوله ارائه شده است. در یک نگاه کلی، گرایش‌های متفاوت در این زمینه را می‌توان در سه رأی خلاصه کرد: منع مطلق، جواز مطلق و عدم جواز در تصدی حاکمیت و جواز شرکت در عرصه‌های دیگر. هر گرایش برای خود دلایلی ارائه کرده که در جای خود

بررسی شده است.^{۳۳} از آنجا که از اصلی‌ترین ادله هر سه گرایش شواهد تاریخی عصر نبوی است، مطالعه و بررسی مشارکت سیاسی زن در عصر نبوی مناسب و ضروری به نظر می‌رسد. با مرور اجمالی تاریخ عصر نبوی شاهد تحولات بزرگ و کوچکی هستیم که زمینه‌ساز جابه‌جایی قدرت و حاکمیت در جامعه است. بی‌شک، نمی‌توان نقش زنان را در این تحولات نادیده گرفت. گرچه به اقتضای ویژگی‌های روحی و دغدغه‌های درونی و شرایط جسمی، مردان در این عرصه، حضوری پررنگ و همه‌جانبه دارند و حضور فعال زنان بیشتر در خانه و خانواده است، ولی زنان در عصر اسلامی از اوضاع سیاسی اطراف خود غافل نبوده و در حد خود حضور فعال و نقش مؤثری داشتند. بر پایه همین حضور پررنگ مردان در عرصه‌های سیاسی، سهم بیشتر اخبار تاریخی به عملکرد آنان اختصاص دارد. البته با مطالعه و بررسی اخبار پراکنده و کم‌شمار حضور زنان در عرصه سیاست می‌توان تصویری از این مشارکت ارائه داد. در این قسمت، مشارکت زن در چهار محور بیعت، هجرت، جنگ و امان دادن تبیین می‌شود.

۱. بیعت

بیعت از اصلی‌ترین جلوه‌های مشارکت سیاسی در صدر اسلام است. بیعت مسلمانان با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به معنی رأی دادن به پیامبری ایشان نیست بلکه با بیعت، پیمان می‌بستند که به آنچه پیامبر فرموده عمل کنند و از ایشان حمایت کنند.^{۳۴} اهمیت بیعت مسلمانان با پیامبر به حدی است که قرآن آن را بیعت با خدا می‌داند: **إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ (فتح: ۱۰)**. اهمیت سیاسی این بیعت‌ها را می‌توان از کلام یکی از بیعت‌کنندگان در بیعت عقبه ثانیه فهمید. عباس بن عباد بنی‌فصله انصاری خطاب به بیعت‌کنندگان گفت: «انکم تبایعونہ علی حرب الاحمر و الاسود من الناس»^{۳۵}

بی‌شک به دست گرفتن حاکمیت سیاسی جامعه و اداره صحیح آن در جهت کمال، یکی از ابعاد حرکت عظیم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود. که مسلمانان برای دستیابی به آن با حضرت، پیمان حمایت و پایداری بستند.

حضور زنان در بیعت با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بیشتر منابع تاریخی گزارش شده است. ابن‌سعد دسترسی به آمار، اسامی و شرح حال زنان بیعت‌کننده با رسول خدا صلی الله علیه و آله را آسان کرده است. او شرح حال ششصد زن را در سه محور زنان بیعت‌کننده قریش و هم‌پیمانانش، زنان بیعت‌کننده انصار و زنان بیعت‌کننده ناشناس آورده است. در کتاب *المحبر* نام ۳۶۱ زن بیعت‌کننده با

پیامبر ﷺ آمده است. کتاب‌های دیگر از جمله الاستیعاب، اسد الغابه، و الاصابه نیز اسامی بیعت‌کنندگان را آورده‌اند. اگر چه اختلافاتی در این اسامی وجود دارد، ولی به اثبات اصل حضور زنان در این عرصه سیاسی لطمه‌ای نمی‌زند.

زنان در کنار مردان در پیمان عقبه اولی و عقبه ثانیه با پیامبر ﷺ پیمان بستند. این دو پیمان به فاصله یک سال از یکدیگر بین رسول خدا ﷺ و مردمی از یثرب بسته شد. مطالعه شرایطی که این دو بیعت در آن صورت گرفت و فشار سهمگینی که مشرکان بر مسلمانان وارد می‌کردند، به خوبی اهمیت و جایگاه این دو پیمان را نمایان می‌سازد.

در پیمان عقبه اولی زنی به نام عفراء بنت عبیدبن ثعلبه در کنار مردان حضور داشت. یک سال بعد شمار بیشتری از مردم یثرب در پیمان شرکت کردند. آنان با تلاش بیعت‌کنندگان عقبه اولی و تبلیغ مصعب بن عمیر که از سوی پیامبر اکرم ﷺ مأمور آموزش قرآن و معارف الهی به مردم یثرب شده بود، مسلمان شده بودند. روح اصلی این پیمان، حمایت و یاری پیامبر تا سرحد جان و جهاد در رکاب اوست. برخی در اهمیت این پیمان آن را هم‌تراز جنگ بدر می‌دانند.^{۳۶} در این پیمان در کنار مردان دوزن به نام‌های نسیبه بنت کعب ام عماره و اسماء بنت عمرو حضور داشتند.^{۳۷}

بیعت دیگری که شاهد حضور زنان بود، بیعت رضوان است. در سال ششم هجری پیامبر اکرم ﷺ برای سفر به سوی مکه و برگزاری عمره تصمیم گرفتند. جمع بسیاری از مسلمانان به دستور ایشان و بدون هیچ سلاح جنگی راهی مکه شدند. در بین راه تحولات به‌گونه‌ای بود که احتمال حمله مشرکان و قتل‌عام مسلمانان تقویت شد. در این شرایط حساس که امکان تزلزل و بازگشت برخی می‌رفت، مسلمانان با رسول خدا ﷺ بیعت کردند. آنان پیمان بستند که تا آخرین لحظه بر ایمان و عقیده خود پابرجا باشند. خداوند در قرآن درباره این پیمان می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ...» (فتح: ۱۰)

تعدادی از زنان مسلمان در این پیمان الهی حضور داشتند. کسانی همچون ام عماره انصاریه، نسیبه بنت کعب، ام هشام بنت حارثه ابن نعمان، ام منذر سلمی بنت قیس بن عمر.^{۳۸}

پیامبر اکرم ﷺ از زنانی که به سوی مدینه هجرت می‌کردند نیز پیمان می‌گرفتند. آیه ذیل، مفاد این پیمان را به روشنی بیان می‌کند:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِفْنَ وَلَا

يُزَيِّنَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَفْصِيكَ
فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْنَهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (ممتحنه: آیه ۱۲)

پس از فتح مکه نیز زنان بعد از مردان با پیامبر بیعت کردند. طبری می گوید: «اجتمع الناس بمكة لبيعة رسول الله ﷺ على الاسلام... فلما فرغ رسول الله ﷺ من بيعة الرجال بايع النساء».^{۳۹} مفاد بیعت زنان با رسول خدا ﷺ به شرایط و ظروف زمانی بستگی داشت. البته عنصر مشترک آن ایمان به اسلام و وحدانیت خداوند متعال بود. مفاد دیگر این بیعت‌ها عبارت است از: بیعت بر طاعت، بیعت بر نصیحت، بیعت بر نصرت و جهاد و بیعت بر صبر بر فریض اسلام.^{۴۰} برخی خواسته‌اند با استناد به اینکه پیامبر اکرم ﷺ در بیعت زنان با آنان دست نمی‌داد و استناد به مفاد برخی از بیعت‌ها مثل بیعت بر معروف و نه ولایت و حاکمیت در آیه قبل، ثابت کنند که ماهیت بیعت زنان با مردان تفاوت داشته و بیعت زنان بیشتر امری صوری و بی‌ارزش بوده و ضمانت اجرا نداشته است. البته این ادعا پذیرفته نمی‌شود، زیرا با توجه به بیعت مشترک زنان و مردان در عقبه ثانیه و بیعت رضوان و با توجه به اینکه پیامبر اصولاً بیعت‌هایی که ضمانت اجرا نداشتند، مثل بیعت با بچه یا دیوانه، را انجام نمی‌دادند، می‌توان گفت که ارزش و جایگاه بیعت زنان، هم‌پایه بیعت مردان بوده است.^{۴۱}

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۲. هجرت

به‌طور قطع، هجرت از مهم‌ترین شاخص‌های مشارکت سیاسی زنان در جامعه صدر اسلام است. هجرت از سوی، مهر بطلانی بر حاکمیت شرک و کفر است و از سوی دیگر، زمینه‌ساز ابلاغ پیام الهی به مردم و برقراری حکومت توحیدی است. بی‌شک، این حرکت سیاسی با مشکلات فراوان و سختی‌های طاقت‌فرسایی چون دوری از وطن، از دست دادن اموال، به خطر افتادن خانواده همراه است؛ به طوری که از انسان‌های سست‌ایمان صبر بر آن ساخته نیست. ارزش و جایگاه این حرکت مذهبی - سیاسی به قدری است که مایه فخر و مباهات در جامعه صدر اسلام و بعد از آن بود. خلیفه دوم به سبب فخرفروشی، خطاب به اسماء بنت عمیس که خود از مهاجران به حبشه و سپس به مدینه بود از سبقت خود در هجرت به مدینه سخن می‌گوید. اسماء پیامبر اکرم ﷺ را مطلع می‌سازد. حضرت نیز به او می‌فرماید که افتخار دو هجرت در کارنامه او ثبت است: «للناس هجرة واحد و لكم هجرتان».^{۴۲}

ارزش و اهمیت هجرت بدان پایه است که قرآن یکی از شروط ازدواج زنان مسلمان با پیامبر اکرم ﷺ را هجرت آنان به سرزمین اسلام قرار داده است. (احزاب: ۵۰) البته هجرت در صورتی به طور کامل اثر می‌گذارد که شخص مهاجر، خلوص کافی داشته باشد. اگر هجرت برای خدا و به دلیل دوستی رسولش بود، ارزش به حساب می‌آید و اگر انگیزه‌های دیگر در آن نقش‌آفرینی می‌کرد، هیچ. از زنان هجرت‌کننده به مدینه از علت هجرتشان سؤال می‌شد و در صورت خلوص در نیت، هجرتشان پذیرفته می‌شد و به جامعه اسلامی راه می‌یافتند.^{۴۳} عمق ایمان و خلوص زنان مهاجر را می‌توان در این گزارش تاریخی دید، گفته‌اند مردان مکه برای منع از هجرت زنان به مدینه شایع کردند که زنان بدکاره برای رسیدن به هوس‌های خود و کاسبی جنسی به مدینه می‌روند. ایجاد این فضای مسموم نتوانست عزم زنان مسلمان را به سستی بکشانند.^{۴۴}

شاید تصور شود زنان مسلمان به سبب تبعیت از شوهران خود مجبور به هجرت بوده‌اند. این تصور به دو دلیل باطل است: اول، اینکه وقتی هجرت زنان از سوی قرآن تمجید شده و ارزشمند به حساب می‌آید، به این نکته دلالت دارد که اختیار زنان در انتخاب این راه تأثیر داشته است، دوم: اینکه زنان متعددی بدون همراهی، بلکه به‌رغم مخالفت پدر یا شوهرشان هجرت کرده‌اند. در این باره می‌توان از سبیه بنت حارث، ام‌الحکم بنت ابی‌سفیان نام برد.^{۴۵}

زنان در هجرت‌های تاریخ صدر اسلام حضور دارند؛ از جمله هجرت به حبشه که در دو مرحله انجام گرفت. در مرحله اول هجرت به حبشه، چهار زن به نام‌های رقیه بنت رسول‌الله ﷺ، سهله بنت سهیل بن عمرو، لیلی بنت ابی‌حشمه و ام سلمه حضور داشتند و در مرحله دوم نام ۲۱ زن مانند اسماء بنت‌الحسین، ام‌کلثوم بنت سهیل بن عمر، امیه بنت خلف، ام حبیبه بنت ابی‌سفیان، برکه بنت یسار، فاطمه بنت صفوان بن امیه، فارعه بنت ابی‌سفیان، اسماء بنت سلامه و غیره^{۴۶} به ثبت رسیده است. از اینکه زنان مهاجر از قبایل مختلف و سطوح متفاوت جامعه بودند،^{۴۷} معلوم می‌شود گروندگان به اسلام فقط از فقرا و بی‌بضاعتان نبوده، بلکه زنان قشر مرفه هم با شنیدن کلام الهی و سخنان نبوی به اسلام ایمان می‌آوردند.

با افزایش آزار و اذیت مشرکان مسلمانان توسط مشرکان و با فراهم شدن زمینه مناسب در یثرب، پیامبر اکرم ﷺ به مسلمانان دستور داد که به آن شهر هجرت کنند. هجرت به مدینه از نقاط عطف و سرنوشت‌ساز تاریخ اسلام است. اهمیت آن به قدری است که خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا» (انفال: ۷۲).

هجرت پیش شرط دوستی و الفت اسلامی قرار گرفت. ابن سعد نام زنان هجرت کننده به مدینه را به تفصیل آورده است.^{۴۸} در کتاب *الاصابه* نیز نام زنانی که پس از صلح حدیبیه به مدینه مهاجرت کردند و پیامبر اکرم ﷺ پس از امتحان آنان، ایشان را به مشرکان باز نگرداند، آمده است، از جمله آنان امیمه بنت بشر، سنیه بنت حارث، ام الحکم بنت ابی سفیان، عبده بنت عبدالعزی و سبیه بنت حارث.^{۴۹}

۳. جنگ و جهاد

یکی دیگر از جلوه‌های مشارکت سیاسی زنان صدر اسلام شرکت در جنگ است. در اسلام جهاد بر زنان واجب نیست. به طور قطع ویژگی‌های جسمی و روحی زنان در صدور چنین حکمی بی‌تأثیر نیست. نگاهی به تاریخ ملل دیگر نیز این مسئله را تأیید می‌کند که در جامعه بشری، نبرد در میدان جنگ به مردان واگذار و حضور زنان در آن استثناء شده است.

البته عدم وجوب جهاد بر زنان موجب بی‌تفاوتی آنان به این مسئله و ارزش‌های آن نشده است. گزارش‌های متعددی از پیگیری زنان صدر اسلام برای بهره‌مندی از فضیلت جهاد در راه خدا، در منابع موجود است. روزی پیامبر اکرم ﷺ از جهاد سخن می‌گفت که ام‌الحکم سکنه بنت ابی‌وقاص از جهاد زنان سؤال می‌کند.^{۵۰} در مجلس دیگری اسماء بنت یزید انصاریه از محرومیت زنان از جهاد سخن می‌گوید و رسول خدا ﷺ آنان را به مأموریت‌های خطریشان در خانواده و شوهرداری متوجه و آن را هم‌پایه جهاد معرفی کرد.^{۵۱} زنان دیگری نیز در این باره از آن حضرت سؤال کرده و جواب مشابهی شنیدند.^{۵۲}

صبر و مقاومت زنان در برابر مصائب جنگ که تأثیر آن در روحیه رزمندگان و کم شدن تبعات منفی جنگ قابل انکار نیست، جلوه‌ای از مشارکت سیاسی زنان است. ایمان قوی و فهم بالای ایشان از جایگاه جنگ و جهاد در اسلام موجب شد تا در برابر مصائبی چون شهادت یا زخمی شدن عزیزانشان مقاوم و صبور باشند. هند بنت عمرو، همسر عمرو بن جموح، از معرکه جنگ احد باز می‌گشت که با جمعی از زنان مدینه روبه‌رو شد. آنان از اوضاع جنگ سؤال کردند. او گفت: رسول خدا ﷺ سالم است و برخی از مؤمنان شهید شده‌اند. زنان از بار شتر او سؤال کردند. او در اوج صلابت و استقامت پاسخ داد که جنازه همسر و برادرش را از میدان باز می‌گرداند.^{۵۳} در جنگ‌های دیگر چهار فرزندش نیز شهید شدند.^{۵۴} در نمونه‌ای دیگر پس از اینکه به سمراء بنت قیس شهادت پدر، برادر و همسرش را خبر دادند او فقط از احوال پیامبر

سؤال کرد و پس از اطمینان از صحت رسول خدا گفت: «کل مصیبة بعدک جلیل یا رسول الله ﷺ».^{۵۵}

به رغم عدم وجوب جهاد بر زنان، حضور آنان در بیشتر جنگ‌های صدر اسلام گزارش شده است، از جمله در جنگ‌های احد، خیبر، بنی قریظه، فتح مکه و حنین. بنابراین، علت عدم یاد کرد از زنان در برخی از جنگ‌های صدر اسلام یا ذکر کم‌رنگ حضور آنان را می‌توان در سهل‌انگاری مورخان جست‌وجو کرد، در عین حال هیچ بعید نیست زنان در برخی از جنگ‌ها به دلایل خاصی چون دوری مسافت، سختی راه، کمبود امکانات و... شرکت نکرده باشند. خاطر نشان می‌شود که این حضور و مشارکت سیاسی در دوران جاهلی هم - همان‌گونه که گفته شد - وجود داشت، لیکن تفاوت در این است که داعی و انگیزه زنان جاهلی از این حضور در تعصبات قبیله‌ای و حفظ منافع قبیله ریشه داشت، ولی زنان مسلمان در راه خدا به میدان جنگ می‌رفتند.

یکی از ابعاد مشارکت زنان صدر اسلام در میادین جنگ، فعالیت‌های تبلیغی بود. زنان با سرودن اشعار حماسی، روحیه رزم را در رزمندگان تقویت می‌کردند. زنان حاضر در جنگ خیبر در توضیح علت حضورشان در جنگ برای پیامبر اکرم ﷺ می‌گویند: «... و نغزل الشعر فنعین فی سبیل الله...». سپس رسول خدا ﷺ با حضور ایشان موافقت می‌کند.^{۵۶} در جریان جنگ احد پس از اینکه هند حضرت حمزه را به شهادت رساند و سینه او را شکافت برای تضعیف روحیه مسلمانان اشعاری سرود و پیرویشان را در احد، در برابر پیروزی مسلمانان در جنگ بدر قرار داد:

والحرب یوم الحرب ذات سمر	نحن جزیناکم بیوم بدر
أبی وعمی و أخی و صهری	ما کان عن عتبه لی من صبر
شفیت نفسی و قضیت نذری	شفیت وحشی غلیل صدری

زنی از جبهه مسلمانان به نام اروی بنت حارث بن عبدالمطلب بلافاصله در جواب او اشعاری سرود که این‌گونه آغاز می‌شود:

یا بنت رفاع عظیم الکفر خزیبت فی بدر و غیر بدر^{۵۷}

بعد دیگر از مشارکت زنان در میادین جنگ که گزارش‌های تاریخی پرشمار بر آن دلالت می‌کند، فعالیت‌های پشتیبانی و تلاش پشت جبهه زنان است. فعالیت‌هایی چون آبرسانی و

سیراب کردن، آماده‌سازی غذا، دوختن مشک‌ها، طبابت، پرستاری و رسیدگی به مجروحان، حفاظت از وسایل رزمندگان، تجهیز و آماده‌سازی اسلحه و... در جنگ احد حضرت زهرا[ؓ] ضمن رسیدگی به زخم‌های پیامبر اکرم[ؐ] فرمود: «غضب الله علی من آدمی وجه رسول الله^ﷺ». ^{۵۸} همچنین درباره حضور جمعی از زنان انصار در این جنگ، از جمله ام سلیط گزارش شده که به سیراب کردن رزمندگان و مداوای مجروحان می‌پرداختند. ^{۵۹} او در جنگ خیبر و حنین نیز شرکت داشت. ^{۶۰} پیامبر اکرم[ؐ] در جنگ خیبر از انگیزه حضور جمعی از زنان در میدان جنگ سؤال کرد. آنان پاسخ دادند: «خرجنا معک نناول السهام و نسقی السویق و معنا دواء للجرحی و... فنعین به فی سبیل الله».

پیامبر اکرم[ؐ] به آنان اجازه حضور داد و در پایان جنگ از غنائم هم به آنان سهمی رسید. ^{۶۱} ام عطیه از مأموریت خود در هفت جنگی که با پیامبر بود چنین می‌گوید:

«فکننت اصنع لهم طعامهم و اخلفهم فی رجالهم و اداوی الجرحی و اقوم علی المرضی»؛ ^{۶۲} در جریان جنگ بنی قریظه نیز وقتی سعد بن معاذ زخمی شد به خیمه زنی به نام رفیده منتقل شد تا تحت مداوا قرار گیرد. ^{۶۳}

باید دانست که زنان به‌طور طبیعی در مبارزه و رزم شرکت نمی‌کردند. غیر از موارد انگشت‌شمار، شاهی از حضور زنی در دست نیست. این مسئله به‌گونه‌ای است که پیامبر اکرم[ؐ] از حمل اسلحه توسط ام سلیم در جنگ احد تعجب می‌کند و در این باره از او سؤال می‌کند. او پاسخ می‌دهد: «أخذته ان دنا منی احد من المشرکین بعجته به» ^{۶۴} همچنین از جمله موارد استثنا می‌توان از دلاوری و فداکاری ام عماره نسبیه بنت کعب در جنگ احد یاد کرد. این زن مشغول سیراب کردن رزمندگان بود که مشاهده می‌کند مسلمانان رسول خدا^ﷺ را رها کرده و فرار می‌کنند. می‌گوید به طرف پیامبر رفتیم و به نبرد مشغول شدم و با شمشیر و نیزه و تیر، مشرکان را از پیامبر دور می‌کردم تا اینکه مجروح شدم. او ضارب خود را مجروح می‌کند و به زمین می‌افتد. پیامبر اکرم[ؐ] در مورد دلاوری او می‌فرمودند: «ما التفت یمیناً و شمالاً الا و انا اراها تقاتل دونی» ^{۶۵} جالب اینکه پیامبر اکرم[ؐ] مقام او را در احد از برخی از مردان بالاتر می‌داند. ^{۶۶} همین‌طور در جریان فرار مسلمانان در جنگ احد، صفیه بنت عبدالمطلب نیزه‌ای به سمت فراریان می‌گیرد و آنان را بر اثر فرارشان سرزنش می‌کند. ^{۶۷} همچنین وی در جریان جنگ خندق نیز با جنگجوی یهودی که فرارگاه زنان و کودکان را تهدید می‌کرد، روبه‌رو می‌شود و او را با ضربه‌ای سهمگین می‌کشد. ^{۶۸}

۴. امان دادن

پناه دادن مخالفان یکی دیگر از جلوه‌های مشارکت سیاسی جامعه صدر اسلام است. زنان نیز حق استفاده از این ظرفیت سیاسی را داشتند. ام هانی در جریان فتح مکه دو نفر از آشنایان خود از بنی مخزوم را پناه داد و پیامبر اکرم ﷺ امان او را پذیرفت.^{۶۹} البته از دوران جاهلی نیز از پناه دادن زنان، از جمله سبیه بنت عبدشمش و حماعه بنت عوفغ بن محلم گزارش شده است،^{۷۰} لکن می‌توان گفت که در جاهلیت به دلیل ویژگی خاص زنان یا جایگاه ممتاز آنان نزد شوهرانشان درخواست آنان رد نمی‌شد، ولی در اسلام این مسئله از حقوق سیاسی مسلمانان، از جمله زنان قرار گرفت. پیامبر اکرم ﷺ پس از پذیرفتن امان دخترش زینب برای ابوالعاص بن ربیع فرمود: «المؤمنون ید علی من سواهم یحیر علیهم ادناهم و قد أجرنا من أجات».^{۷۱}

وضعیت فرهنگی زن در جامعه اسلامی عصر نبوی از موضوعات مهم تاریخی است که پرداختن به آن مجال وسیع‌تری می‌طلبد. با توجه به اهمیت موضوع جایگاه فرهنگی زن در این دوره، ترجیح می‌دهیم این موضوع را در مجالی دیگر و با تفصیل بیشتری مطرح نماییم.

نتیجه

موضوع زن در اسلام همچنان که از موضوعات مهم فکری و اندیشه‌ای است از نظر تاریخی نیز اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. با نگاهی به تاریخ صدر اسلام، به ویژه عصر نبوی در می‌یابیم که زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حضور فعال داشته‌اند. البته حضور اجتماعی زنان تابع احکام و ضوابطی بود که مصالح کلان جامعه را تأمین و از نهاد خانواده حمایت کرد. در حقیقت، اسلام با تکیه بر اصالت خانواده، با هر گونه حضور اجتماعی زنان که به نهاد خانواده آسیب بزند مخالفت کرده است. بر اساس الگوی اسلام، زنان حضور سالم و مؤثر در جامعه خواهند داشت. شرکت زنان در بیعت‌ها و هجرت‌ها و امور نظامی جلوه‌ای از فعالیت زنان در عصر نبوی است، هم چنان که کثرت نام زنان محدث و راوی و آگاه به دانش‌های اسلامی و زنان شاعره و خطیب، بیانگر فعالیت وسیع فرهنگی زنان در این دوره است. ناگفته نماند که موضوع زن نیز مانند سایر موضوعات اجتماعی دیگر، پس از رحلت رسول خدا ﷺ و روی کار آمدن دولت‌های ناشایست اسلامی مسیر انحراف را طی کرد و از آموزه‌های نبوی فاصله گرفت. سیر انحراف جامعه اسلامی در موضوع زن پس از رسول خدا ﷺ نیاز به مجال بیشتری دارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. محمدتقی مصباح یزدی، جامی از زلال کوثر، ص ۱۱۳.
۲. سلیمان بن اشعث سجستانی، سنن ابی داود، ج ۱، ص ۲۲۱.
۳. ابوالاعلی مودودی، الحجاب، ص ۳۱۴.
۴. ابو الفرج علی بن حسین بن هیثم الاصفهانی، الأغانی، ج ۱۸، ص ۶۴.
۵. حسین نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، ص ۲۸۹.
۶. علی بن عیسی اربلی، کشف القمّه، ج ۲، ص ۱۹۴؛ علی المتقی بن جسام الدین الهندی کنز العمال، ج ۱۶، ص ۶۰۲.
۷. محمدتقی مصباح یزدی، جامی زلال کوثر، ص ۱۰۸ و ۱۰۹.
۸. محمدرضا زیبایی نژاد و محمدتقی سبحانی، درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، ص ۸۴.
۹. علی بن ابی‌الکرم ابن الاثیر جزری، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج ۶، ص ۱۹؛ جلال الدین سیوطی، الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۵۲.
۱۰. محمدتقی مصباح یزدی، جامی زلال کوثر، ص ۱۱۳.
۱۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۲۱.
۱۲. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۴۳.
۱۳. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۲۱۳؛ محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۱۱۵.
۱۴. فخر الدین الرازی، تفسیر الکبیر، ج ۲۳، ص ۱۷۲.
۱۵. احمد بن حنبل، مسند، ج ۵، ص ۳۷؛ علی بن حسین کرکی، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ج ۱۴، ص ۳۹.
۱۶. حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۴۴.
۱۷. جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۴، ص ۶۱۷.
۱۸. عبدعلی بن جمعه حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۹۳.
۱۹. محمد بن جریر طبری، جامع البیان فی تأویل القرآن، ج ۹، ص ۳۰۶.
۲۰. جلال الدین سیوطی، الدر المنثور، ج ۶، ص ۶۶۰.
۲۱. احزاب، ۳۲ و ۳۳.
۲۲. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۶۷.
۲۳. سلیمان بن اشعث سجستانی، سنن ابی داود، ج ۴، ص ۹۱.
۲۴. جلال الدین سیوطی، الدر المنثور، ج ۵، ص ۱۸۰.
۲۵. فاضل مقداد، کنز العرفان، ج ۲، ص ۲۲۴.
۲۶. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۱، ص ۲۴۷ و ۲۴۸.
۲۷. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص ۳۴.
۲۸. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۱۶۱.
۲۹. همان، ص ۱۸۵.
۳۰. محمدهادی یوسفی غروی، المرأة فی الجاهلیة و الاسلام، ص ۵۰.
۳۱. محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۳۹۵.

۳۲. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۰۸ و ۲۰۹.
۳۳. مهدی مهریزی، زن و فرهنگ دینی، ص ۷۵ - ۹۶.
۳۴. زن و جامعه در نگرش شهید مطهری، پیام زن، سال اول، شماره سوم، ص ۱۲.
۳۵. محمد بن جریر طبری، تاریخ الرسل و الامم و الملوك، ج ۲، ص ۳۶۱؛ عبدالملک بن هشام، همان، ج ۲، ص ۵۹.
۳۶. ابن قیم جوزی، زاد المعاد فی هدی خیر العباد، ج ۲، ص ۵۱.
۳۷. محمد بن جریر طبری، تاریخ الرسل و الامم و الملوك، ج ۲، ص ۳۶۲.
۳۸. یوسف بن عبدالله بن عبد البر، الاستیعاب، ج ۴، ص ۴۱۷ و ۵۱۲ و ۵۱۷.
۳۹. محمد بن جریر طبری، تاریخ الامم و الملوك، ج ۳، ص ۶۱.
۴۰. ابو نعیم اصبهانی، معرفة الصحابه، ج ۶، ص ۳۵۸۳؛ آمنة فتن مسکه بر، واقع المرأه الحضاری، ص ۱۱۰.
۴۱. اسماء محمد احمد زیاده، دور المرأه السیاسی، ص ۱۷۱ - ۱۸۱.
۴۲. محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۸۱.
۴۳. اسماء محمد احمد زیاده، دور المرأه السیاسی، ص ۱۲۰.
۴۴. تقی الدین احمد بن عبد الحلیم، الصارم المسلول علی شاتم الرسول، ص ۵۵.
۴۵. احمد بن علی بن حجر عسقلانی، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۸، ص ۱۷۱ و ۳۷۸.
۴۶. همان، ج ۸، ص ۱۴ و ۴۶۲ و ۳۰ و ۴۷ و ۴۸، ۳۸۲، ۳۵۹ و ۱۱.
۴۷. اسماء محمد احمد زیاده، دور المرأه السیاسی، ص ۱۴۰.
۴۸. محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۷۶ - ۳۱۳.
۴۹. احمد بن علی بن حجر عسقلانی، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۸، ص ۱۷۱ و ۱۹۱.
۵۰. احمد بن علی بن حجر عسقلانی، همان، ج ۸، ص ۱۸۰؛ علی بن ابی الکریم ابن الاثیر الجزری، اسد الغابه، ج ۷، ص ۱۴۴.
۵۱. احمد بن علی بن حجر عسقلانی، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۶، ص ۱۹.
۵۲. همان، ج ۸، ص ۲۱ و ۴۸۹.
۵۳. اسماعیل بن عمر بن کثیر، البدايه و النهايه، ج ۴، ص ۴۲.
۵۴. ابن قیم جوزی، زاد المعاد، ج ۳، ص ۲۰۸.
۵۵. محمد بن جریر طبری، تاریخ الامم و الملوك، ج ۲، ص ۵۳۳؛ اسماعیل بن عمر بن کثیر، البدايه و النهايه، ج ۴، ص ۴۸.
۵۶. علی بن ابی الکریم ابن الاثیر الجزری، همان، ج ۶، ص ۴۲۰.
۵۷. احمد بن ابی طاهر ابن طیفور، بلاغات النساء، ص ۲۸ و ۲۹.
۵۸. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۲۰، ص ۹۶ و به همین مضمون در مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۳۳۴.
۵۹. احمد بن علی بن حجر عسقلانی، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۸، ص ۴۰۸.
۶۰. محمد سعید مبيض، مرسعة حياة الصحابيات، ص ۱۳۴.
۶۱. علی بن ابی الکریم ابن الاثیر الجزری، اسد الغابه، ج ۷، ص ۳۲۳.

۶۲. محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۸، ص ۴۵۵.
۶۳. علی بن ابی الکریم ابن الاثیر الجزری، همان، ج ۷، ص ۳۲۰.
۶۴. محمد بن جریر طبری، تاریخ الامم والملوک، ج ۳، ص ۷۷.
۶۵. محمد بن عمرو بن واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۲۶۸ تا ۲۷۳؛ محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۸، ص ۴۱۴ تا ۴۱۵.
۶۶. محمد بن سعد، همان.
۶۷. همان، ص ۴۱.
۶۸. همان، ج ۸، ص ۴۱.
۶۹. عبدالملک بن هشام، السیرة النبویة، ج ۴، ص ۵۴. پیامبر به ام هانی فرمود: قد أجرنا ما أجرنا و أمننا من أمننا.
۷۰. ابو الفرج علی بن الحسین بن هیثم الاصفهانی، الاغانی، ج ۲۲، ص ۷۵ - ۷۹.
۷۱. محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۸، ص ۳۳.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

منابع

- ابن الاثیر جزری، علی بن ابی‌الکرم محمد بن حمد، *اسد الغابة فی معرفة الصحابة*، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹.
- احمد بن ابی‌طاهر ابن طیفور، *بلاغات النساء*، نجف، حیدریه، ۱۳۶۱ق.
- اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمة فی معرفة الأئمة*، به ترجمه حسین زوارثی، بی‌جا، انتشارات اسلامیة، بی‌تا.
- اسماعیل بن عمر بن کثیر، *البداية و النهاية*، بیروت، دار احیاء التراث العربی و مؤسسه التاریخ العربی، بی‌تا.
- اصبهانی، ابو نعیم، *معرفة الصحابة*، به تحقیق عادل بن یوسف العزازی، ریاض، دار الوطن، ۱۴۱۹ق.
- الاصفهانی، ابوالفرج علی بن الحسین بن هیثم، *الأغانی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
- پابنده، ابوالقاسم، *نهاية الارب فی فنون العرب*، تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۶۱ش.
- جواد علی، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام*، بیروت، دار العلم للملایین و بغداد مکتبه النهضة، چ دوم، ۱۹۷۶م، دوم.
- جوزی، ابن قیّم، *زاد المعاد فی هدی خیر العباد*، بیروت، دار الفکر، بی‌تا.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعه*، به تحقیق مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، قم، مؤسسه آل‌البیت، لأحیاء التراث، ۱۴۰۹ق.
- حنبل، احمد بن حنبل، *مسند احمد*، به تحقیق شعیب الارنؤوط و عادل مرشد، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۲۰ق، دوم.
- حویزی، عبد علی بن جمعه، *تفسیر نور الثقلین*، قم، اسماعیلیان، بی‌تا.
- رازی، فخرالدین، *تفسیر الکبیر*، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۱ق.
- زیاده، اسماء محمد احمد، *دور المرأة السیاسی*، قاهره، دار السلام، ۱۴۲۱ق.
- زیبایی‌نژاد، محمدرضا و سبحانی، محمدتقی، *درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام*، قم، دار النور، چ دوم، ۱۳۸۱ش.
- السحستانی، سلیمان بن اشعث، *سنن ابی داوود*، به تحقیق محمد محی‌الدین عبدالحمید، مصر، چ دوم، بی‌تا، دوم.
- سیوطی، جلال‌الدین، *الدر المنثور*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
- شیخ الصدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بابویه، *کتاب من لا یحضره الفقیه*، به تصحیح علی اکبر الغفاری، تهران، مکتبه الصدوق، بی‌تا.
- الطباطبایی، محمد حسین *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، الأعلمی للمطبوعات، چ دوم، ۱۳۹۳ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۰۶ق.
- طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الرسل و الامم و الملوک*، به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، چ دوم، بی‌تا.
- طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان فی تأویل القرآن*، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۰ق.
- عبدالحلیم، تقی‌الدین احمد بن عبدالحلیم، *الصارم المسلول علی شاتم الرسول*، به تحقیق عاصم فارس الحرسستانی، بیروت، المکتب الاسلامی، ۱۴۱۴ق.
- عبدالملک بن هشام، *السیرة النبویه*، به تحقیق مصطفی السقاو، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.

عسقلانی، احمد بن علی بن حجر، *الإصابة فی تمييز الصحابة*، به تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.

کرکی، علی بن الحسین، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، به تحقیق مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۱ق.

کلینی الرازی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، *الکافی*، به تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.

گروه محققان، *زن در فرهنگ اسلامی*، قم، مجمع جهانی اهل بیت، بی تا.

مببض، محمد سعید، *موسومة حياة الصحابیات*، بیروت، مؤسسه الریان، ۱۴۱۲ق.

مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ش.

محمد بن سعد، *الطبقات الکبری*، بیروت، دار بیروت و دار صادر، ۱۳۷۷ق.

مصباح یزدی، محمد تقی، *جامی از زلال کوثر*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج سوم، ۱۳۸۱ش.

مقداد، فاضل، *کنز العرفان*، تهران، المكتبة المرتضوية، بی تا.

مودودی، ابوالاعلی، *الحجاب*، بی جا، مؤسسه الرسالة، بی تا.

مهریزی، مهدی، *زن و فرهنگ دینی*، تهران، نشر هستی نما، ۱۳۸۲ش.

نوری، حسین، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، به تحقیق مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۷ق.

واقدی، محمد بن عمرو، *کتاب المفازي*، به تحقیق مارسدن جونس، بیروت، انتشارات الأعلمی، ۱۴۰۹ق، سوم.

الهندی، علی المتقی بن جسام الدین، *کنز العمال*، بیروت، مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۹ق.

یوسفی الفروی، محمد هادی یوسفی، *المرأة فی الجاهلیة و الإسلام*، قم، مجمع العالمی لاهل البيت، ۱۴۲۶.